

شاید بسیاری از مخاطبان در ابتدا اظهار کنند اعتراض به اقدامات تخریبی داعش در سلیات‌های باستانی عراق و سوریه بی‌فایده است، اما اگر هیچ اقدامی صورت نپذیرد، بهتر است، با اینکه با صدايي بلند به‌ه اعتراض و کنش فعال بپردازیم؟ کدام‌یک در تاریخ ثبت خواهد شد؟ این کنشی است که از ایران آغاز شده؛ کشوری که در دهه اخیر مورد اتهام‌های متعددی قرار گرفته است، حال، همین کشور و هنرمندانش پیشگام حرکتی فعال شده‌اند. این چکیده و فحواي کلام نما زاغیان بود؛ هنرمندی که طراح پروژه آنتی‌داعش است و دغدغه‌های هنرمندان ایرانی را به زبان و کلام می‌آورد. در فرصتی کوتاه با وی به‌گفت‌وگو نشستیم تا با کلیات طرح وی بیشتر آشنا شویم.

❧ پروژه «آنتی‌داعش» دارای چه ویژگی‌های است؟
پروژه آنتی‌داعش‌ که عنوان کامل آن «همبستگی هنرمندان در اعتراض به تخریب میراث باستانی بشری» است، پروژه‌ای چند بخشی است؛ بخش آقازین آن صرفا شامل اعلام حضور هنرمندان و اندیشمندان است که به تخریب گسترده و سازماندهی‌شده میراث باستانی بشری توسط داعش اعتراض دارند. در این بخش، هنرمندان بیانیه‌ای را امضا کرده‌اند که مضمون آن اعلام اعتراضی فعال به این تخریب وحشیانه است. سعی من بر آن است تا این صدای اعتراض هر چه رساتر باشد و به همین دلیل فقط به هنرمندان و رسانه‌های داخلی ایران بسنده نکرده و نخواهیم کرد، هرچند یکی از تاکیده‌ای اصلی پروژه این است که چنین حرکت اعتراضی‌ای از خاورمیانه و از ایران آغاز شده است؛ توسط یک کیورتور ایرانی و با اعلام حضور هنرمندان، نویسندگان و اندیشمندان ایرانی. این مسئله از آن جهت حائز اهمیت است که برخلاف دیدگاه سوءتفاهم‌برانگیز و اشتباه غرب به مردمان خاورمیانه و ایران است؛ افکار عمومی جهان در این‌باره باید بپذیرد کوتاهی و بی‌اعتنایی آنان را خشکان ایرانی جبران کرده‌اند. به گمان من، رسانه‌های جهانی و فعالان حوزه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در سراسر جهان، آنچنان که باید این فاجعه را جدی نگرفته‌اند و حتی می‌توان گفت بر آن چشم بر بسته‌اند؛ میراث‌های بشری مانند شهر باستانی تدمور (پالمیرا)، شهر باستانی نمرود، گنجینه‌های موزه باستان‌شناسی موصل …، پایانه‌های ابتدایی تمدن بشری‌اند. نخستین مدنیت‌ها از بین‌الطهرین آغاز شده‌اند و میراثی که امروزه از آن بر جای مانده، نه‌هفت نشا‌نگر هویت و قدمت باستانی مدنیت در خاورمیانه است، بلکه متعلق به تمامی بشریت است.

❧ چه شد که به فکر اعتراض به تروریست‌های داعش افتادید؟ آغاز این ایده از کجا بود؟

اعتراض صرف به داعش امر تازه‌ای نیست و تا آنجا که من اطلاع دارم، حتی پیش از شکل‌گیری این پروژه نیز جمع کوچکی از هنرمندان ایرانی کوشیده‌اند به داعش اعتراض کرده و اعتراض خود را در قالب اثر هنری منعکس کنند. اما تاکید اصلی پروژه آنتی‌داعش بر تخریب میراث بشری است.

ماجرا برای من از روزی آغاز شد که خبر تخریب داعش در موزه موصل را دیدم و شنیدم؛ برای من که همواره دغدغه فرهنگ و هنر تاریخی- باستانی را داشته‌ام، این فاجعه‌های هولناک بود. از همان روز ایده این پروژه به ذهنم رسید و با خود گفتم در برابر بی‌اعتنایی جهان به این فاجعه باید کاری کرد. متأسفانه این ویرانگری به همین‌جا ختم نشد و کمی بعد به شهر باستانی نمرود و سپس به پالمیرای چهارهزار ساله رسید. از اینجا بود که عملا برای این پروژه گام برداشتم. در همان روزها «آینما احتیاط» نیز در تلاش برای طرح حرکتی با عنوان هنر علیه داعش بود و به سبب دوستی و نزدیکی ام به‌او، پیشنهاد دادم این دو پروژه در هم ادغام شوند، چراکه آنچه من در نظر داشتم ابعدای بسیار گسترده‌تر از برگزاری نمایشگاهی در یکی از گالری‌های تهران بود.

شرق: انتشار پیام صوتی محسن وزیری‌مقدم درباره به‌بغمارفتن آثارش توسط شاگردان او، واکنش یکی از آنها را به‌دنبال داشت. محسن وزیری‌مقدم، نقاش پیش‌پسونی ایرانی ساکن رم، در تاریخ ۳۱ مرداد ۹۴ یکم در درباره‌بغمارگی آثارش به دست غلامحسین نامی، ابراهیم حقیقی، ناصر اویسی، حسین خسروجردی و مینا سلیمی روی یکی از وب‌سایت‌ها قرار داد و از سکوت منتقدان و مورخان هنری گلایه کرد. به‌دنبال انتشار این پیام، غلامحسین نامی، نقاش مطرح معاصر و یکی از شاگردان وزیری، پاسخ اظهارات استادش را داد که در ادامه می‌خوانید.

وقا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم که در طریقت ما، کافر یست رنجیدن»
در پی تکرار اتهاماتی بی‌اساس؛ غیرمنطقی و نادرست از سوی استادم، جناب محسن وزیری‌مقدم، بیش و پیش از هر چیز؛ بی‌نهایت اندوهگین شدم و خاطرات تلخ و شیرین سالیان دور از برابر چشم‌انم گذشت. در ابتدا بنابر شیوای که همواره در ۴۸ سال گذشته در پی گرفته بودم، همچنان قصد پاسخ‌گویی نداشتم؛ اما به چند دلیل و پس از مشورت با تنی چند از دوستان، سکوت را بیش از این جایز ندانستم و تصمیم گرفتم تنها با اشرارای محدود، و به قدر لزوم حقایقی را روشن کنم.

یک: ایراد اتهامی چنین سنگین، ارزش‌های حرفه‌ای ۵۰ساله من و تنی چند از دوستان را نشانه رفته است، آبرو و اعتباری که با سال‌ها کار عاشقانه و صادقانه به دست آمده که در خیال خام برخی، می‌توان آن را به لحظه‌ای فرو ریخت و از آن نرزدانی برای شهرت خویش ساخت. هرچند ۴۸ سالگی که از طرح مکرر و پیوسته این اتهامات می‌گذرد، همواره سکوت کرده‌ام و هیچ نگفته‌ام.

نه تنها سکوت کرده‌ام که بنابر شهادت شاهدان متعددی که حی و حاضرند، همواره در کلاس‌های خود و هر جمعی که بدهام از استاد وزیری به نیکی و نیکویی و اعتبار و دانش یاد کرده‌ام.



اثر: نوحه

گفت‌وگویی با نیما زاغیان، طراح وایده‌پرداز پروژه اعتراضی ضد داعش

دربرابر ویرانگری

نیما توسلی

شدد؛ در این بخش، هنرمندان بعد از اعلام آمادگی برای خلق اثر هنری و اعلام موافقت برای مشارکت عملی و اجرایی‌ی‌ی‌ا را از اعتراض و کنش سلبی صرف فراتر می‌گذارند و خواهند کوشید تا با کنشی عملی در جهت جبران تخریب میراث باستانی خاورمیانه، گام بردارند.

صورت‌مسئله ساده است؛ داعش در کنشی سازماندهی‌شده می‌کوشد تمامی مظاهر تمدن و تاریخ در بین‌النهرین را نابود کند؛ تمدنی که بیش از پنج هزار سال قدمت دارد که حتی در سده‌ها و هزاره‌های بعدی تأثیر فراوانی بر تاریخ منطقه داشته‌اند. حتی می‌دانیم ایرانی‌های باستان در هنر و معماری و شهرسازی و سایر مظاهر تمدن، بسیار وام‌دار مدنیت‌های بین‌النهرینی هستند؛ پس درواقع این ماجرا با تاریخ و تمدن ما نیز بی‌ارتباط نیست. اما کنش هنرمندان معاصر در قبال نابودسازی تمدنی چه خواهد بود؟ هنرمندانی که به این پروژه پیوسته‌اند، خواهند کوشید با تولید آثار هنری، به صورتی نمادین،

درواقع این ماجرا با تاریخ و تمدن ما نیز بی‌ارتباط نیست.

اما کنش هنرمندان معاصر در قبال نابودسازی تمدنی چه خواهد بود؟ هنرمندانی که به این پروژه پیوسته‌اند، خواهند کوشید با تولید آثار هنری، به صورتی نمادین،

پاسخ «نامی» به اظهارات «وزیری‌مقدم»

حق گویان خموش و خطاگویان پرخروش

بدون آنکه شناختی از یکدیگر داشته باشند، صرف همانندی ایده‌ها، اتهام دزدی و سرقت هنری، نهایت بی‌اخلاقی و غرض‌ورزی است.

در دنیای نقد هنرهای تجسمی، سرقت هنری معنایی دقیق و مشخص دارد که همانا، تقلید آشکار عین‌به‌عین از ترکیب‌بندی و اشکال و عناصر بصری و تمام ویژگی‌های ظاهری یک اثر است.

وگرنه نقاشان کوبیست، سارقان آثار یکپاسو نیستند، هر که رنگ بر بوم می‌پاشد؛ سارق آثار جکسن پولاک نیست و آنکه در ایتالیا مجسمه متحرک با دخالت دست انسان ساخته هم سارق آثار «آمبرتو ماستریتانی» نیست؛ اما عجبا که خود استاد گویا چنین نمی‌پندارند! هرچند خود در گفتار خودشان هم در این پیام صوتی هم‌زمان معتقدند که اثر من هم تقلیدی از کار ایشان هست و درعین‌حال تقلید کار «انریکو کاستلانی» یا «بنولومی» که البته چنین نبوده، اما گویا ایشان خود متوجه این تناقض نمی‌شوند که چگونه باید مشابهت کار خود را با کاستلانی و بنولومی توضیح دهند که در دام تعریف دروغین خود از مفهوم سرقت هنری نیفتند!

شگفتا که استاد در بیانات خویش مرا متهم به کپی از نقاشی‌های کالیگرافی انتزاعی چند سال اخیر خود کرده‌اند، آثاری که بعد از بروز مشکلات بینایی ایشان ساخته شده‌اند.

سابقه ساخت اولین نقاشی کالیگرافی انتزاعی من که هم‌اکنون در موزه هنرهای معاصر تهران وجود دارد، به سال ۱۳۴۵ می‌رسد و در سال ۱۳۵۶ نمایشگاهی

تمدنی جایگزین ارائه کنند؛ آنچه من به عنوان طراح و کیورتور این پروژه در نظر دارم، برساختن نمادین تمدنی جایگزین و خیالی است که دروواق آثار باستانی آن همان تولیدات و آثار هنری هنرمندان است؛ تصور کنید وارد موزه‌ای می‌شوید و در نگاه نخست آن موزه پر از اشیا و نگاره‌ها و مستندات و بازمانده‌های یک تمدن تاریخی است؛ اما در نگاهی دقیق‌تر درمی‌یابید این اشیا درواقع باستانی نیستند بلکه آثار هنری دست‌کار هنرمندان معاصر ی هستند که کوشیده‌اند نوعی «وانمودگی باستانی» خلق کنند. البته این اشیا و نگاره‌ها به هیچ‌وجه سعی در بازنمایی یا بازسازی مستقیم آثار تمدن‌های بین‌النهرینی ندارند، بلکه صرفا با الهام از میراث بشری این سوی جهان، دست به خلق تمدنی ناموجود زده‌اند که درعین‌حال، نوعی آلتراتیو برای اشیا و میراث نابودشده توسط داعشند. این به همان وجه تمایز هنرمند و تفاوت نوع اعتراضش به فجایع تخریبی است. این همان چیزی است که اعتراض فعال می‌گوییم؛ به عبارت دیگر، کنش ایجابی به جای پرداختن به «واکنش سلبی».

❧ روند پیشرفت این پروژه تاکنون چگونه بوده است، آیا به حدود مطلوبی که برای آن در نظر گرفته بودید، نزدیک بوده است؟

اگرچه کمتر از دو هفته از اعلام رسمی این پروژه می‌گذرد، اما حاصل تلاشی چند ماهه بوده است؛ از زمان شکل‌گیری ایده در ذهن من تا دعوت از هنرمندان و جمع‌کردن امضاها، روند پروژه برای من بسیار امیدبخش بوده و هست؛ از همان گام‌های ابتدایی، بسیاری از هنرمندان برجسته و نامدار و نیز اندیشمندان و فعالان حوزه فرهنگ با پروژه «آنتی‌داعش» همراه شدند؛ هنرمندان خوش‌فکر و ارزشمندی مانند آبدین آغداشلو، پرویز تاتولی، کامران عدل، کامبیز درم‌بخش، آلفرد یعقوب‌زاده، کورش شیشه‌گران، جمشید بایلمی، نادر خراسانی، کریستف رضاعی، شهرام کریمی، سمیرا علیخانزاده، واحد خاکدان، افشین ناغونی، سیمین کرامتی، بهروز بقایی، حسن معجونی و… و بیش از ۶۰ هنرمند دیگر، با حسن نیت تمام و از همان گام‌های اول به این پروژه پیوستند. تعداد هنرمندانی که از اعضای بیانیه و پیوستن به این‌ا اعتراض فعال اجتناب کردند، واقعا انگشت‌شمار بود.

❧ آیا نهادها یا سازمان‌هایی از این‌س پروژه هنری-اعتراضی حمایت کرده‌اند یا پروژه برای آغاز فعالیت، پشتیبانی خاصی از نهاد و سازمانی گرفته است؟

در ابتدا خبر، تاکید داشتم پروژه آنتی‌داعش کاملا مستقل و بر پایه مشارکت خودانگیخته هنرمندان ایرانی باشد. از همین‌روی، با اینکه بی‌شک می‌توانستم در آغاز هم از پشتیبانی نهادهای دولتی و غیردولتی و حتی نهادهای بشردوستانه بین‌المللی استفاده کنم، ترجیح دادم شکل‌گیری هسته این پروژه کاملا مستقل باشد. درواقع آغاز این پروژه با ایده شخصی من، همکاری دوست عزیزم علیرضا امیرحاجی و اعلام حضور و همراهی صمیمانه هنرمندان بود. اما بی‌شک در روند پیشبرد پروژه حمایت فعال نهادهای بسیاری، چه در داخل و چه در خارج از ایران را طلب خواهیم کرد؛ چه نهادهایی که مستقیما به فعالیت‌های صلح‌طلبانه و بشردوستانه اهتمام دارند و چه حتی نهادهای دیگری که تمایل داشته باشند در این امر مهم همراهی و همکاری کنند. من از همین‌جا اعلام می‌کنم پروژه آنتی‌داعش، در عین حفظ استقلالش، تمایل خود را برای همکاری و دریافت پشتیبانی از نهادها و سازمان‌های مربوطه ابراز می‌دارد؛ از سازمان میراث فرهنگی تا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، از موزه‌ها تا بخش‌های خصوصی هنری. بی‌تردید، این‌س پروژه، حرکتی فرهنگی- انسانی است، به‌دور از از هرگونه گرایش سیاسی و جناحی، دست‌هایی که به‌خیرواحی و حمایت به سوش دراز شوند را می‌فشارد.

از این آثار در گالری سامان برپا کردم. کاش استاد با دقت بیشتری به تاریخ امضای آثارم، مرا متهم به کپی از آثارشان می‌کردند. تاکید می‌کنم که اثر مادر و پچه، و تمامی آثار سپید و سه بعدی من در طول ۴۸ سال گذشته تقلیدی از هر یک‌کس نیست و ایده برجسته‌کردن بوم سپید که بارها از آن سخن گفته‌ام، در اثر یک اتفاق ساده به دست آمد. استفاده از تکنیک و مصالح مشابه در خلق آثار هنری هنرمندان در جهان هنر، هم بسیار مرسوم است و هم ابدا به معنای سرقت هنری نیست، چراکه ماده و مصالح به دست هنرمند دارای معنا می‌شود و خود ماده به تنهایی فاقد معناست. مواد و مصالح در نزد هنرمندان متفاوت، متناسب با دریافت‌های ذهنی هر هنرمند از جهان پیرامون خود ، معانی ویژه خود را بیان می‌کنند. تحریف عامده و آگاهانه مفهوم «سرقت هنری» و تعمیم آن به کسانی سبک‌ها و ایده‌ها،ان هم از سوی استادی که خود، در دوران شکوفایی عمر خودشان در دانشده هنرهای زیبا بارها تفاوت مفهوم «الهام» و «کپی‌کاری» را به زبان خود برای من و شاگردان و شاهدان دیگر شرح داده؛ مرا مجاب به پاسخ‌گویی کرد تا مبدا نسل جوان، با درکی نادرست به گمراهی کشیده شود و بی‌نهران تشنه شهرت، غرض هنر و نظر را بر غرض و فریب آلوده کنند. چهاا؛ جناب استاد در گفتار خود، از واژه‌های چون «دزد»، «غلط‌زدایی» و… استفاده کرده‌اند. همچنان با تحقیر از دوران دانشجویی من یاد کرده‌اند؛ البته مقابله‌به‌مثل نه شیوه من است و نه در شان قلم من. اما استاد خود به‌خوبی به یاد دارند که در همان سال‌های منتهی به نمایشگاه بورگز، بارها به خانه من در خیابان کوشک می‌آمدند و روزی که تابلوی مادر و پچه به اتمام رسید به اتفاق همسر ایتالیایی سابق خود «ماریا»، به‌کارگاه من آمدند و بعد از تشویق‌های استادانه (که امروز کینه‌ورزانه آن را وارونه جلوه می‌دهند!) قرار گذاشتند در روز گشایش نمایشگاه و مراسم اعطای جایزه مرا با اوتومیل بنز خود به گالری بورگز ببرند.

ادامه در صفحه ۱۱

تصاویر متحرک

زنان انیماتور ایرانی در سوئد

«شب انیمیشن ایران در سوئد؛ زنان انیماتور» برگزار شد. شیوا مقالو، مدیر اجرایی «شب انیمیشن ایران در سوئد؛ زنان انیماتور» درباره این برنامه که به‌تازگی در سوئد برگزار شده است، به «مهر» گفت: «انجمن مردم‌نهاد مراودات فرهنگی ایران و سوئد «ISCEA» که هیات‌مدیره آن متشکل از کارشناسان فرهنگی ایرانی و سوئدی است، بانی و پیشنهاددهنده برگزاری این برنامه بود.»او در پاسخ به اینکه چرا نمایش فیلم‌های انیمیشن تنها مختص به انیماتورهای زن ایرانی بوده است، توضیح داد: «تصویر در خور و قابل‌تاکیدی از زنان ایرانی و به‌خصوص خانم‌های فعال در حوزه‌های مختلف فرهنگ و هنر در برخی کشورها وجود ندارد از همین رو انجمن مراودات فرهنگی ایران و سوئد برای ازبین‌رفتن این بدفهمی‌ها تصمیم گرفت برنامه‌ای با عنوان «شب انیمیشن ایران در سوئد؛ زنان انیماتور» ترتیب دهد.»

این داستان‌نویس معاصر در پاسخ به اینکه چرا بخش انیمیشن انتخاب شد، گفت: «هنر انیمیشن یک زبان بین‌المللی است که قدرت زیادی برای برقراری ارتباط با مخاطب بین‌المللی دارد. فیلم‌هایی که در این مدیوم ساخته می‌شود، اغلب بدون دیالوگ یا کم‌دیالوگ هستند و نیازی در زیرنویس ندارند یا زیرنویس اندک می‌خواهند. از س‌وی دیگر سیممای ایران زنان انیماتور فعال و موفق زیادی دارد که هم از لحاظ تکنیکی و هم از جهت محتوا آثار خوبی را کارگردانی کرده‌اند.» مقالو درباره نمایش انیمیشن‌های انتخاب‌شده عنوان کرد: «انیمیشن‌هایی که در دانشگاه شهر «لوند» سوئد در دو شب به نمایش درآمد، دو دسته بودند؛ دسته اول شامل هفت انیمیشن می‌شد که از تولیدات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بود. این آثار توسط بخش سینمای بین‌الملل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در اختیار ما قرار گرفت و خوشبختانه همکاری و لطف بسیاری داشته.»او سپس به دسته دوم انیمیشن‌های به‌نمایش‌درآمده اشاره کرد: «شب دوم به نمایش ۱۲ فیلم از تهیه‌کنندگان و کارگردان‌هایی از بخش خصوصی اختصاص داشت و سعی کردیم انواع سبک‌های انیمیشن‌سازی در ایران و نمونه‌های خوبی را که موجود است، نمایش دهیم.» او درباره استقبال از فیلم‌های انیمیشن ایرانی عنوان کرد: «استقبال مخاطبان ایرانی و غیرایرانی خیلی خوب بود و به همین دلیل مسئولان دانشگاه «لوند» برای شب دوم نمایش آثار، سالن بزرگ‌تری را در اختیارمان قرار دادند. همچنین من بعد از پایان نمایش فیلم‌ها به سؤالاتی که مطرح می‌شد پاسخ دادم.» «بچه گربه» به کارگردانی شیوا صادق‌اسدی، «ماه مهربان» کار نازنین سبحان‌سربندی، «وقتی بچه بودم» اثر مریم کشکولی‌نیا، «کیوتو سفید کنار آینه» به کارگردانی مریم خلیل‌زاده، «دزد درخت‌ها» اثر راشین خیریه، «حکایت کلاه غیبی» کار فاطمه جعفری و «باغ هزار دختر» به کارگردانی لایلا خلیل‌زاده هفت اثر کانون هستند که در شب اول نمایش داده شد. در شب دوم نیز ۱۰ انیمیشن کوتاه از دیگر کارگردانان زن ایرانی با عنوان‌های «کودکان دشت» به کارگردانی رحیمه سعادت، «چرا سگ‌ها از گربه‌ها متفرند؟» کار لیدا فضلی، «خانم گل میخکی» اثر ساره طیب‌زاده، «داستان سفال» به کارگردانی مریم بیانی، «پنکه» اثر فاطمه سوهانی، «قرمز، سفید و سیاه» به کارگردانی ماهان راوند، «جا حکایتی» کار فائزه سپهر صادقیان، «نقش هر پرده» به کارگردانی مریم فرحزادی، «مرد، بت، گربه» به مهناز یزدانی، «پیرا کانتا» کار نگاره حلیمی، «هزار و یک شب» به کارگردانی هدی مسعودی و «برعکس» به کارگردانی الیکا مهرانیپور به نمایش درآمد.

نخستین «شب انیمیشن ایران در سوئد؛ زنان انیماتور» در تاریخ ۱۸ و ۱۹ شهریور در دانشگاه شهر «لوند» در سوئد برگزار شد.

نوانس

سهیل شایسته‌پور، سرپرست آنسامیل آدیوس تصمیم‌گرفتمیم با را فراتر بگذاریم

عسل عباسیان

آنسامیل آدیوس، با همکاری چند جوان خلاق و عاشق موسیقی شکل گرفته و از گروه‌های جزی است که در مدت کوتاه فعالیتش، دستاورد بزرگی همچون اجرای مشترک با انزو فاواتا و مارچلو پکین، دو جریست مطرح ایتالیایی، را پشت‌سگ‌داشته. روز شنبه ۲۸ شهریور، این آنسامیل، رپرتوار پیاتزولا را در فرهنگسرای نیاوران روی استیج می‌برد. به همین بهانه با سهیل شایسته‌پور، سرپرست این آنسامیل که خودش ویلنست گروه است، گفت‌وگویی داشته‌ایم.

❧ آنسامیل آدیوس، کی و چطور شکل گرفت؟

ایده تشکیل آنسامیل آدیوس پائیز ۹۲ شکل گرفت، چند نوازنده با پیشینه موسیقی کلاسیک بودیم که پس از چندسال فعالیت در زمینه موسیقی کلاسیک و اجرای رپرتوارهای انتخابی به‌عنوان نوازنده ارکستر، تصمیم گرفتیم با را فراتر بگذاریم و در قالب گروهی کوچک، موسیقی نزدیک‌تر به سلیقه خودمان را دنبال کنیم. برای شروع موزیکی می‌خواستیم که به صدادهی گروه نزدیک باشد. سازبندی گروه کیتار، ویلن، پیانو و پیس بود که با سازبندی موسیقی تانگو بسیار نزدیک بود. به علاوه علاقه شخصی من به استور پیاتزولا سبب شد که با اجرای قطعاتی از پیاتزولا کار گروهی‌مان را آغاز کنیم.

❧ گفتید اعضای گروه، در ارکسترهای مختلف نوازندگی را تجربه کرده بودند. این اعضا چه کسانی هستند و تجربه نوازندگی در چه ارکسترهایی را داشتند؟ سازبندی فعلی گروه چگونه است؟

من ویلن می‌زنم، ادیب قربانی نوازنده پیانو، محمدرضا حیدر، نوازنده کیتار، امید شایسته، نوازنده پیس و مهرداد مهدی، نوازنده آکاردئون است و در دو پروژه آخرمان هم رضا بنایی‌نوا، نوازنده درامز، به ما اضافه شده. تجربه نوازندگی ارکستر را هم خودم از ارکستر مجلسی جوانان تهران شروع کردم. بعد از آن در ارکستر جوانان پارس، ارکستر فیلارمونیک تهران و ارکستر مجلسی تهران می‌نواختم.

❧ دیگر نوازندگان تجربه کار در چه ارکسترهایی را داشتند؟

ادیب قربانی به‌عنوان سولیست پیانو، در ارکستر کامه‌اراتا به‌عنوان پیانیست در بسیاری از اپراها و تئاترهای موزیکال حضور داشته و مهرداد مهدی هم به‌عنوان سولیست با ارکستر بادی تهران همکاری داشته.

❧ گفتید از سال ۹۲ آنسامیل شما شروع به کار کرد. این شروع چگونه بود؟

با یک کنسرت در کلیسای آلمان‌ها شروع شد که جو فوق‌العاده‌ای را هم تجربه کردیم، به‌عنوان اولین اجرای گروهی.

❧ همه اجراهایتان رپرتوار است؟ خودتان آهنگ‌سازی نمی‌کنید؟

ما با پیاتزولا شروع کردیم و از اجرای اولمان استقبال خوبی شد. آن زمان هنوز آکاردئون به گروه اضافه نشده بود و از ساز کلارینت به‌عنوان جایگزین آکاردئون استفاده کردیم. بعد تصمیم گرفتیم با سازبندی اصلی کمیونت پیاتزولا کارها را اجرا کنیم. برای همین آکاردئون را به گروه اضافه کردیم. تیرماه ۹۳ در تالار رودکی دو شب اجرا داشتیم و قطعات اجرایی هم به‌غیر از دو قطعه، همگی برای اولین‌بار در ایران اجرا می‌شدند. از جمله اتفاقات بعد از این اجرا، دعوت فستیوال تانگو



رم از گروه بود و به‌دنبال آن درخواست سفارت آرزانتین در تهران برای اجرای مجدد، که سبب شد همان رپرتوار در در شهرپورماه ۹۳ در فرهنگسرای نیاوران اجرا کنیم. در پاسخ سؤالات، ما خردادماه اسمال با همکاری نوازنده از ایتالیا، انزو فاواتا، نوازنده کلارینت و ساکسیفون و مارچلو پکین، نوازنده کیتار، پروژه‌ای را در نیاوران اجرا کردیم که در این کار تقریبا ۵۰ درصد رپرتوار کار ما بود و نیم دیگر هم کارهای انزو فاواتا بود.

❧ چه مدت با آنها تمرین کردید؟

حدودا یک ماه تمرین پیش از آمدن آنها داشتیم و بعد هم که آنها آمدند، حدودا سه جلسه تمرین مشترک داشتیم.

❧ چطور از علاقه‌مندی اولیه‌تان که موسیقی کلاسیک بود، به سمت موسیقی تانگو یا در پروژه آخرتان موسیقی جز تغییر گرایش داشتید؟ اولین‌بار که یک اجرای زنده موسیقی جز دیدیم، آزادی عمل نوازندگان روی استیج به‌شدت توجهم را جلب کرد. همین که نوازنده فضایی دارد برای بداهه‌نوازی و می‌تواند در لحظه موسیقی خلق کند، بسیار ارزشمند است. درواقع آزادی عملی که این سبک موسیقی به نوازنده می‌دهد، جلیمان کرد. به علاوه فضای بیشتری می‌خواستیم تا ایده‌های خودمان را هم در موسیقی‌مان دخالت دهیم.

❧ در این سبک موسیقی، کدام گروه یا آهنگ‌ساز شما را بیش از دیگران جذب کرد؟

خیلی‌ها برای مثال خود پیاتزولا خیلی مؤثر بود. اولین‌بار «آدیوس نوینو»یش را شنیدم که همیشه کنسرت‌هایمان را هم با این قطعه شروع کرده‌ایم. تقریبا همه آن چیزی که از موسیقی می‌خواستیم را می‌توانستیم در قطعات پیاتزولا پیدا کنیم. آزادبودن و بداهه‌نوازی جز را داشت، ریتم تانگو و پیچیدگی موسیقی کلاسیک را هم در خودش داشت و همه اینها جلیم کرد. در کنسرت روز شنبه ۲۸ شهریور، برای سومین‌بار رپرتوارمان را از آثار او اجرا می‌کنیم اما هنوز هم برایمان این قطعات طیب‌زاده، تازگی دارند.

❧ کنسرتی که قرار است از روز شنبه در فرهنگسرای نیاوران داشته باشید، چه ماجرابی دارد؟

این کنسرت، همان سازبندی پیاتزولا را دارد. درامز هم به کار اضافه شده و بداهه‌نوازی به قطعات افزوده شده است. ما در سومین اجرای این رپرتوار تازه به خودمان اجازه دادیم ایده‌هایمان را هم بر قطعات پیاتزولا سوار کنیم.

❧ تجربه اجرا با نوازندگان ایتالیایی چطور بود؟

برای ما هرورزش مثل ورک‌شاپ بود. یک جو‌رهایی تازه فهمیدیم موسیقی جز چه مفهومی دارد. فهمیدیم اینکه موزیک جز در لحظه شکل می‌گیرد یعنی چه، فهمیدیم اینکه باید در هر لحظه این قابلیت را داشته باشی که با ایده‌ای دیگر به موزیکت نگاه کنی…یک ماه قبل از آمدن نوازنده‌های ایتالیایی ما تمرین داشتیم، اما وقتی آنها آمدند، طی سه، چهار جلسه تمرین، کلا بداهه‌ها نقش پررنگ‌تری پیدا کردند.

ادامه در صفحه ۱۱